

ناآگاه پخش کنند و آنان را در رأی دادن یا رأی به اشخاص صحیح دادن منحرف کنند. یک آنکه گفته شود کسانی که در مرحله اول رأی دادند نباید در این مرحله رأی دهند، در صورتی که این مرحله با مرحله اول فرقی ندارد و مقتضی است همه ملت در رأی دادن شرکت کنند. دوم آنکه گفته شود خوب است به همه گروه‌ها چه چپی و چه انحرافی رأی دهید که مجلس شورا اجماع همه گروه‌ها باشد، این یک مطلب غلطی است که منحرفین درست کرده‌اند تا در مجلس با خدعه شرکت کنند و ملت به این مطالب انحرافی گوش فرادهد و به اشخاص با شرایط فوق رأی دهد. ۶- امید است ملت مسلمان ایران در این امر حیاتی که سرنوشت جامعه به آن مرتبط است شرکت کنند و روز جمعه همه قشرها زن و مرد بپای خیزند و به سوی صندوق‌ها بروند و رأی خود را بدهند. ۷- در این روز افرادی فرصت طلب در حوالی صندوق‌ها جمع می‌شوند و به مردم پیشنهاد افرادی خاص را می‌کنند؛ به حرف‌های آنان گوش ندهید و رأی خود را به اشخاص صحیح بدهید. اشخاص بی‌سواد قبلاً با مشورت اشخاص مطمئن متدین، کاندیداهای خود را که در تهران دوازده نفر و در شهرستان‌ها به تعدادی که لازم است می‌باشد، به وسیله شخص متدینی بنویسند و باز به شخص دیگری که مطمئن است بدهند بخواند و خودشان با دست خودشان رأی خود را به صندوق بیندازند و اختیار نوشتن رأی یا به صندوق انداختن را به هیچ‌کس ندهند.

هر چند توصیه‌های بنیانگذار انقلاب، تقریباً همین راهبرد شورای نگهبان در حال حاضر هم است، اما بیان آن در قالب توصیه و مهم‌تر از همه اجازه حضور به همه طیف‌های سیاسی و سپردن تشخیص صلاحیت آنان به مردم، همان چیزی است که ۴۰ سال بر سر آن جنگ است.

البته مصونیت احزاب برای ورود به مجلس در انتخابات میان دوره‌ای شکل دیگری به خود گرفت و اعضای حزب توده با استعلام فرماندار تهران از شورای نگهبانی که با آغاز به کار مجلس اول کار خود را شروع کرده بود، با مشکل روبه‌رو شدند. «هیأت سه نفره نظارت بر انتخابات تهران در پاسخ به این استعلام نامزدی اعضای احزاب چپ و مارکسیست را با ممانعت دانست اما آیت‌الله صافی گلپایگانی، دبیر وقت شورای نگهبان در پاسخ به وزارت کشور اعلام کرد «آنچه از قانون اساسی مخصوصاً اصل ۶۷ در مورد سؤگند به خداوند متعال و پاسداری از حریم اسلام و مفهوم اصل ۶۴ استفاده می‌شود؛ فقط کسانی صلاحیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی را دارند که یا مسلمان و متعهد به مبانی اسلام یا از اقلیت‌های مذکور در اصل ۶۴ باشند.» و بر این اساس در انتخابات میان دوره‌ای مجلس اول ۲۳ نفر از اعضای حزب توده از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت شدند». (خبرگزاری فارس)

■ مجلس دوم و شورای نگهبانی بدون کارکرد استصوابی

مجلس اول در حالی پایان گرفت که مهم‌ترین اتفاقات کشور در طول چهار سال فعالیت آن رخ داد. از شروع جنگ عراق با ایران تا رأی به عدم کفایت سیاسی ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهوری وقت و حل ماجرای گروگان‌های آمریکایی، همه در سال‌هایی اتفاق افتاد که صندلی‌های مجلس با طیف‌های مختلف سیاسی پر شده بود و بر سر هر موضوعی کار حتی به ضرب و شتم هم می‌کشید. پس از پایان این دوره، دیگر برای خیلی از افراد و گروه‌ها در مجلس بعدی جایبود.

اعضای جبهه ملی ایران به دلیل اعتراض به لایحه قصاص متهم به ارتداد شده بود، سازمان مجاهدین خلق به دلیل انجام فعالیت‌های تروریستی و چندین جنایت در حق ملت ایران، سازمان فدائیان خلق به علت مخالفت با حاکمیت و حزب توده هم پیش از این بانظر آیت‌الله صافی گلپایگانی که در زمان انتخابات میان دوره‌ای دبیر وقت شورای نگهبان بوده، فاقد صلاحیت نمایندگی شناخته شده بودند و نهضت آزادی ایران و جمعیت‌های همسوز نیز هیچ‌گاه مجوز فعالیت از وزارت کشور دریافت نکردند.

در این شرایط دومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در فروردین ماه سال ۱۳۶۳، برگزار شد و در آن حزب جمهوری اسلامی، جامعه روحانیت مبارز، مؤتلفه اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و دفتر تحکیم وحدت به رقابت پرداختند. تفاوت این دوره از انتخابات مجلس با قبل از خود، حضور شورای نگهبان بود که البته کنار زدن تعدادی از گروه‌های سیاسی نه از سوی این نهاد بلکه از سمت حاکمیت و مردم شکل گرفت.

در ۲۶ تیرماه ۱۳۵۹ شورای نگهبان با انتخاب حقوق‌دانان تکمیل شد (پیش از این تنهافقهایی این نهاد معرفی شده بودند) و رسماً کار خود را آغاز کرد. آغازی که هنوز خبری از نظارت «استصوابی» در آن نبود. با این حال خود شورای نگهبان معتقد است که وظیفه نظارتی خود را از انتخابات میان دوره‌ای مجلس اول آغاز کرده، اما نمی‌گوید مدل آن نظارت‌ها با مجالس چهارم به بعد چقدر فرق داشت؟

«شورای نگهبان از سال ۱۳۶۰ رسماً نظارت بر انتخابات‌ها را نیز بر عهده گرفت.

اولین انتخاباتی که با نظارت شورای نگهبان برگزار شد، دومین دوره انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات میان دوره‌ای اولین دوره مجلس شورای اسلامی در ۲ مرداد ۱۳۶۰ بود. شورای نگهبان مجموعاً ۱۱ انتخابات ریاست جمهوری، ۹ انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۵ انتخابات مجلس خبرگان رهبری، یک همه‌پرسی قانون اساسی و ۱۴ انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری را نظارت کرده است. در این میان رفتار دوم جمهوری اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی، اولین همه‌پرسی قانون اساسی، اولین انتخابات ریاست جمهوری و نیز اولین انتخابات مجلس شورای اسلامی که همگی در سال ۱۳۵۸ برگزار شدند به دلیل عدم تشکیل شورای نگهبان زیر ذره‌بین نظارت این نهاد قرار نگرفتند. در زمینه برگزاری انتخابات نیز بارها اختلافاتی میان دولت (وزارت کشور) و شورای نگهبان در گرفت که با پادرمیانی حضرت امام (ره) و رهبر معظم انقلاب فیصله یافتند. انتخابات سومین و ششمین دوره مجلس شورای اسلامی از جمله مهم‌ترین آنهاست». (سایت شورای نگهبان)

برگزاری این انتخابات هم همچون دوره اول استقبال مردمی خوبی را رقم زد. ۶۴ درصد واجدین شرایط در کل کشور و ۶۰ درصد آنان در تهران در این انتخابات شرکت کردند.

■ مجلس سوم و مشکل جدید از انتخابات

۱۹ فروردین ۶۷؛ سومین دور از انتخابات مجلس شورای اسلامی برگزار شد. اینبار هم اتفاقی همچون دوره گذشته رخ داد و نوبت به یکی دیگر از احزاب رسید تا از دور خارج شود. با انحلال حزب جمهوری اسلامی، نخستین سنگ بنای چپ و راست هم گذاشته شد.

این حزب که در ۲۹ اسفند سال ۵۷ تأسیس شده بود، پس از عزل بنی‌صدر از سوی مجلس اول، دچار اختلافات درونی زیادی میان جریان راست و چپ خود شد. در نهایت در ۱۱ خرداد ۶۶، در نامه مشترک آیت‌الله‌های و آیت‌الله‌های هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهوری و رئیس مجلس وقت، به طریقت از شورای این حزب، درخواست انحلال آن برای امام خمینی (ره) ارسال شد که موافقت رهبری انقلاب را در پی داشت.

در آستانه انتخابات مجلس سوم اتفاق دیگری هم رخ داد. هر چند تا آن زمان هم نظارت استصوابی نبود که بار صلاحیت‌ها اختلاف افکندی کند، اما اقدامی که جامعه روحانیت مبارز کرد، کم از شورای نگهبان نداشت.

حذف محمود دعبی و فخرالدین حجازی از فهرست انتخاباتی این جامعه، زمینه‌ساز انشعاب شد. مهدی کروبی که رهبری جریان اقلیت را بر عهده داشت آن را به این معنا گرفته بود که جامعه روحانیت از مسیر اصلی خود که حمایت از انقلاب و انقلابیون اصیل است دست برداشته و کسانی را که سابقه چندانی در انقلاب ندارند، بر کسانی که کاملاً سابقه دارند ترجیح می‌دهد. در زمستان سال ۶۶ و در آستانه انتخابات دور سوم مجلس شورای اسلامی، مجمع روحانیون مبارز معروف به چپ سنتی اعلام موجودیت و فعالیت خود را آغاز کرد. این اتفاق زمانی رخ داد که باز دیک شدن به زمان انتخابات این دوره، بحث تهیه فهرست انتخاباتی هم جدی شده بود. مباحثی که البته ریشه در اختلافاتی داشت که در اواخر عمر مجلس دوم در میان اعضای جامعه روحانیت مبارز از ایجاد بحث‌های اقتصادی و سیاسی با محوریت دولت میرحسین موسوی محور اصلی این اختلافات بود. قضایای ۹۹ نفر و تلاش برای تصویب برخی لوایح اقتصادی سبب شد برخی اعضا بخواند برای گریز از آن چاره‌ای بیندیشند.

فهرست انتخاباتی جامعه روحانیت مبارز تهران در آستانه انتخابات مجلس سوم، به مذاق برخی اعضا خوش نیامد. جناح اقلیت جامعه روحانیت که بعدها عنوان «مجمع روحانیون مبارز» به خود گرفت اصرار داشتند که هادی غفاری، فخرالدین حجازی و سیدمحمود دعبی در لیست انتخاباتی حضور داشته باشند ولی اکثریت اعضا با این تصمیم مخالف بودند و آنان را حائز ویژگی‌های کافی برای تصدی پست نمایندگی نمی‌دانستند.

البته این اختلاف، آتش زیر خاکستر اختلافات پیشین را شعله‌ورتر کرد؛ اختلافاتی که به دیدگاه‌های جناح چپ و راست انقلابیون، بویژه در اقتصاد بازمی‌گشت. کما اینکه آیت‌الله مهدی‌کنی هم در کتاب خاطرات خود جنس این اختلافات را از جنس همان نگاه چپی و راستی به سیاست داخلی و خارجی و اقتصاد دانسته است. با این اختلافات سیدمحمد خاتمی و موسوی خوئینی‌ها از اعضای برجسته این تشکل، در دیدار با مهدی کروبی پیشنهاد انشعاب از جامعه روحانیت را مطرح کردند. سیدعلی اکبر محتشمی‌پور (از اعضای برجسته مجمع روحانیون) نقل کرده است: «با توجه به جمع‌بندی‌های به عمل آمده در مورد عملکرد جامعه روحانیت مبارز پیشنهاد انشعاب و تأسیس یک تشکیلات روحانی مستقل از جامعه روحانیت